

نقش فرهنگ شهروندی در ارتقاء کیفیت حکمرانی شهری

زهرایلی پور^{۱*}، سید مهدی سجاذزاده^۲.

۱- کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی znili57@gmail.com

۲- کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی sajadzadeh@gmail.com

چکیده

رشد شتابان شهرنشینی و پیچیدگی روزافزون مسائل شهری، کارآمدی نظام‌های سنتی مدیریت شهری را با چالش جدی مواجه ساخته و ضرورت گذار به حکمرانی شهری را به‌عنوان رویکردی مشارکتی، شفاف و پاسخگو آشکار ساخته است. در این گذار، فرهنگ شهروندی به‌مثابه سرمایه‌ای نهادی و نرم، نقشی بنیادین در توفیق یا ناکامی فرایندهای حکمرانی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر با اتکا به روش تحلیل اسنادی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، مدارک معتبر، نشریات تخصصی و مقالات علمی، تدوین شده است. بررسی‌های نظری حاکی از آن است که مقوله‌هایی همچون قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و اعتماد عمومی، به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی فرهنگ شهروندی، زمینه‌ساز تحقق اصول حکمرانی مطلوب (از جمله شفافیت، پاسخگویی، عدالت و کارایی) هستند؛ و در عین حال، حکمرانی شفاف و عادلانه نیز با بازتولید سرمایه اجتماعی، به تثبیت و نهادینه‌سازی هنجارهای شهروندی یاری می‌رساند. براین اساس، یافته نهایی مقاله این است که تقویت هم‌زمان فرهنگ شهروندی و اصلاح ساختارهای حکمرانی، یک الزام راهبردی برای شهرهای ایران محسوب می‌شود و مستلزم بازنگری بنیادین در سیاست‌های شهری و بازاندیشی در رویکردهای موجود است.

کلمات کلیدی: فرهنگ شهروندی، حکمرانی، حکمرانی شهری، مدیریت شهری، آموزش شهروندی

۱. مقدمه

افزایش سریع جمعیت توأم با گسترش شهرنشینی و رشد و توسعه روزافزون شهرها به ویژه از دهه ۱۹۵۰ میلادی مشکلات فراوانی در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای جهان سوم ایجاد کرده که این خود موجب گشته سیستم مدیریت شهر با چالش‌ها و تنگناهایی مواجه گردد. در سیستم مدیریت شهری نوین برای رفع این مشکلات و چالش‌های زندگی شهری، الگوهای متعدد ارائه شده است [1]. در چنین شرایطی، مفهوم حکمرانی شهری به‌عنوان رویکردی فراتر از مدیریت سنتی، بر تعامل میان دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و شهروندان تأکید می‌کند [2]. با افزایش جمعیت شهری، اهمیت حکمرانی خوب شهری، به شدت بیشتر شده است. حکمرانی خوب در برابر نظام‌های سنتی به عنوان یک فرایند چندسطحی و مشارکتی در نظر گرفته می‌شود [3]. لذا کیفیت حکمرانی شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه پایدار و رفاه اجتماعی محسوب می‌شود.

شهرها به‌عنوان مراکز اصلی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نیازمند نظام مدیریتی هستند که بتواند با مشارکت همه ذی‌نفعان، خدمات عمومی را به‌صورت کارآمد، عادلانه و شفاف ارائه کند. لذا حکمرانی شهری مطلوب بر اصولی همچون مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، عدالت، قانون‌مداری و اثربخشی استوار است. با این حال، تجربه بسیاری از شهرها نشان می‌دهد که اصلاح ساختارهای اداری به‌تنهایی برای تحقق حکمرانی مطلوب کافی نیست و عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز در موفقیت نظام مدیریت شهری نقش تعیین‌کننده دارند [2]. تحقق این اصول بدون حضور فعال شهروندان و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی از سوی آنان امکان‌پذیر نیست. یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدیریت شهری، ضعف مشارکت شهروندان و نبود سازوکارهای مؤثر برای تعامل میان مدیریت شهری و جامعه مدنی است [4]. از این‌رو، فرهنگ شهروندی به‌عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، هنجارها و رفتارهای اجتماعی که مشارکت، مسئولیت‌پذیری و احترام به قانون را تقویت می‌کند، جایگاهی اساسی در ادبیات حکمرانی شهری یافته است [5].

تقویت فرهنگ شهروندی و آموزش حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی، نقش مهمی در افزایش مشارکت عمومی و بهبود کیفیت مدیریت شهری دارد [6]. اعتماد اجتماعی، همکاری میان شهروندان و مشارکت در امور عمومی، زمینه افزایش کارآمدی نهادهای عمومی و کاهش هزینه‌های حکمرانی را فراهم می‌سازد. جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند، معمولاً دارای نهادهای عمومی کارآمدتر و نظام حکمرانی موفق‌تری هستند. همچنین مشارکت مستقیم شهروندان در مدیریت منابع عمومی، نقش مهمی در افزایش اثربخشی سیاست‌های عمومی و کاهش تعارضات اجتماعی دارد. لذا شهروندانی که از فرهنگ شهروندی بالاتری برخوردارند، همکاری بیشتری با مدیریت شهری دارند، از قوانین تبعیت می‌کنند، در تصمیم‌گیری‌های محلی مشارکت می‌نمایند و در حفظ منابع و امکانات عمومی نقش فعال‌تری ایفا می‌کنند [7]. فرهنگ شهروندی با تقویت ارزش‌هایی مانند قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و اعتماد عمومی، زمینه ارتقاء کیفیت حکمرانی شهری را فراهم می‌کند [8].

در دهه‌های اخیر، سازمان‌های بین‌المللی نیز فرهنگ شهروندی را یکی از ارکان توسعه پایدار شهری معرفی کرده‌اند. گزارش‌های برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که شهرهای موفق، علاوه بر توسعه زیرساخت‌های فیزیکی، در تقویت مشارکت شهروندان، آموزش حقوق شهروندی، افزایش شفافیت و حمایت از نهادهای مدنی سرمایه‌گذاری کرده‌اند [9]. در ایران توسعه شهرنشینی، گسترش کلان‌شهرها و افزایش مطالبات عمومی، ضرورت توجه به کیفیت حکمرانی شهری را بیش از گذشته نمایان ساخته است. اگرچه در سال‌های اخیر اقداماتی نظیر توسعه شوراهای اسلامی شهر، گسترش خدمات الکترونیک و تقویت مدیریت محلی صورت گرفته است، اما چالش‌هایی همچون مشارکت محدود شهروندان، کاهش اعتماد عمومی، ضعف آموزش شهروندی و محدود بودن سازوکارهای مشارکت، همچنان بر کیفیت حکمرانی شهری تأثیرگذار است [4]. از این‌رو، بررسی نقش فرهنگ شهروندی در ارتقاء کیفیت حکمرانی شهری، ضرورتی علمی و کاربردی دارد.

۲. مبانی نظری

۲-۱. فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی مفهومی نوین است که با ورود به هزاره سوم اهمیت ویژه یافته است. فرهنگ شهروندی، به عنوان سبک زندگی انسان در قالب سوژه شهروند در بافت شهری و متأثر از نیازهای حال و آینده تعریف شده است تا آنجا که با پیوند خوردن مفهوم رفاه اجتماعی با جایگاه شهروندی، کلیه شئون زندگی جمعی در قالب فرهنگ شهروندی شدیداً متأثر از تعبیر

مفهوم رفاه می‌شود. اگر چه فرهنگ به عنوان سبک کلی زندگی انسان شکل می‌گیرد، خود از ارزش‌ها و هنجارها که جوهره فرهنگ هستند ناشی می‌شود [10].

فرهنگ پدیده‌ای اکتسابی، انتقال پذیر، پویا و آموختنی است. به واسطه همین ویژگی‌ها، فرهنگ شهروندی را می‌توان به عنوان یک قابلیت اکتسابی و توانایی غیرغریزی انسانی تعریف کرد که شکل‌دهنده سبک کلی زندگی و هادی تعاملات او با دیگران باشد [11]. فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، دین، هنر، باورها و رفتارها و قواعد مشترک بنیادینی است که به صورت ارتباط متقابل بین شهروندی و نهادهای رسمی و غیررسمی، برقرار است و این ارتباط و تعامل هم بیانگر حقوق شهروندی و هم بیانگر وظایف و تکالیف شهروندی است [12].

فرهنگ شهروندی، فرایندی است که از طریق بهره‌گیری از مجموعه قوانین و عرف‌های اجتماعی که ساکنان شهرها و مدیران اجرایی، باید آنها را برای هماهنگی و یک زندگی بدون تنش، اجرا کنند؛ منجر به توسعه همه جانبه و پایدار شهر شده و نوعی امکان برای گذار از موقعیت نامناسب کنونی به موقعیت مناسب همراه با رشدی آرام برای نسل‌های آینده فراهم می‌نماید [13].

۲-۲. آموزش شهروندی

برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدف در زندگی برای شهروندان از آموزش شهروندی استفاده می‌شود که هدف اصلی آن درگیر کردن افراد در فعالیت‌های مربوط به حوزه زندگی خود (اجتماع) می‌باشد [14]. این آموزه‌ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی، ملی و جهانی کمک خواهد کرد. در واقع نقش آموزش شهروندی به افراد جامعه میزان آگاهی آنها نسبت به قوانین و مقررات جامعه است. در آموزش شهروندی برای افراد جامعه مشخص می‌شود که در قوانین و مقررات شهری چه جایگاهی دارند و به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت شهری چه وظایفی را باید اجرا کنند و باید انتظار داشته باشند [15].

۲-۳. مدیریت شهری

مدیریت شهری یکی از شاخه‌های علم مدیریت است. در مورد مفهوم و معنای مدیریت شهری اختلاف زیادی وجود دارد. تلقی و برداشت از مفهوم مدیریت شهری از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، مفهوم مدیریت شهری گسترده‌تر از مفاهیم ترکیبی آن است [16]. مدیریت شهری در گذشته مترادف با اتخاذ و اجرای برخی اقدامات عمومی در ابعاد فیزیکی و کالبدی شهر و یا نهادی برای خدمات‌رسانی و انجام امور روزمره و جاری در شهر بود. برخی اوقات مدیریت شهری، بسیار محدود شده و به مثابه "مدیریت پروژه" قلمداد می‌شود. در این معنی مدیریت شهری حوزه‌ای است که در پی اجرای مؤثر و کارآمد پروژه‌های شهری است [17]. مدیریت شهری، روش‌ها و فرایندهایی است که از نیازها و خواسته‌های بشر حمایت و حفاظت کند [18]. مدیریت شهری عبارت است از فرآیند طراحی و نگهداری از محیطی که در آن افراد به صورت گروهی با یکدیگر کار می‌کنند و اهداف خود را به شیوه مؤثری محقق می‌سازند. مدیریت شهری نه تنها در برگزیده مدیریت سازمان‌ها و مجموعه‌های شهری است بلکه مدیریت امور مرتبط به فرآیند توسعه و کارکرد شهری را نیز در سطوح سازمانی مختلف شامل می‌شود [19].

۲-۴. حکمرانی

حکمرانی از دهه ۱۹۹۰ به عنوان رویکردی نوین در مدیریت عمومی مطرح شد و به تدریج وارد حوزه مدیریت شهری گردید [2]. حکمرانی شامل کلیه فرایندهای حکومت‌داری است چه آنهایی که توسط حکومت، دولت، بازار یا شبکه در محدوده نظام اجتماعی (خانواده، سازمان‌های رسمی و غیررسمی، یک قلمرو یا سراسر یک سرزمین) انجام می‌شود و چه آنهایی که از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان یک جامعه سازمان یافته صورت می‌گیرد [20].

تعریفی از حکمرانی که بانک جهانی، سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و برنامه توسعه ملل متحد بر آن اتفاق نظر دارند، حکمرانی را سیستم پیچیده‌ای از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها، مسئولیت‌ها و فرایندها، عملکردها که به وسیله سه ارزش کلیدی پاسخگویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود، تعریف می‌کند [21]. در واقع، می‌توان گفت که حکمرانی، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند [22].

۲-۵. حکمرانی شهری

حکمرانی شهری فرایندی است که در آن دولت، مدیریت شهری، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان در تعامل با یکدیگر، امور شهر را برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی می‌کنند [2]. حکمرانی شهری مجموعه‌ای از فرایندها، نهادها و سازوکارهایی است که از طریق آن‌ها تصمیمات شهری با مشارکت ذی‌نفعان اتخاذ شده و منابع عمومی به‌صورت شفاف، پاسخگو و عادلانه مدیریت می‌شوند [9].

حکمرانی شهری، نوعی فرایند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است که هم حکومت شهری و هم حکمرانی جامعه مدنی را دربرمی‌گیرد و بر حقانیت و تقویت، عرصه عمومی تأکید دارد [23]. تحقق حکمرانی شهری در گرو هم‌افزایی همه بازیگران شهری است؛ رویکردی که شفافیت، پاسخگویی و عدالت را در کنار مشارکت همگانی، ارکان اصلی خود می‌داند [9].

۳. ابعاد فرهنگ شهروندی

ابعاد فرهنگ شهروندی به‌عنوان یک نظام چندبعدی از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای جمعی، عبارتند از:

۳-۱. قانون‌مداری اجتماعی

به معنای احترام آگاهانه به قوانین و مقررات و پذیرش اصل برابری همه افراد در برابر قانون است. قانون‌مداری فرایند بسط شعور شهروندی برای وصول به اهداف کلان زندگی اجتماعی است که امکان استفاده بیشتر از امکانات و استعدادها را فراهم ساخته و زمینه پیشرفت و ترقی را میسر می‌سازد [24]. در مدیریت شهری، رعایت قوانین ترافیکی، حفاظت از اموال عمومی، پرداخت عوارض شهری و رعایت مقررات زیست‌محیطی از مهم‌ترین جلوه‌های قانون‌مداری محسوب می‌شوند. پژوهش‌های بانک جهانی نشان می‌دهد که افزایش حاکمیت قانون، یکی از مؤثرترین عوامل ارتقاء کیفیت حکمرانی است [25].

۳-۲. مسئولیت‌پذیری اجتماعی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی یک عمل و رویکردی اخلاقی است که بیانگر این است که یک فرد موظف است به نفع جامعه با آدم‌ها و سازمان‌های دیگر کار و همکاری کند. مسئولیت اجتماعی به عنوان چارچوبی اخلاقی شخص را در مشارکت‌های اجتماعی که عمل به آن‌ها در سطح وسیع به نفع جامعه خواهد بود متعهد می‌سازد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی به این معناست که فرد به عنوان عضوی از جامعه مشارکت فعالانه دارد و نسبت به مشکلات و معضلات بی‌تفاوت نبوده و در تغییرات و بهبود شرایط می‌تواند سهیم باشد [26].

مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان یک اصل اخلاقی و هنجاری، بیانگر احساس تعهد و وظیفه‌شناسی فرد در قبال جامعه، محیط‌زیست و نسل‌های آینده است و از مفاهیم محوری در گفتمان شهروندی به شمار می‌رود. با توجه به اینکه حقوق شهروندی مجموعه‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که قانون اساسی و قوانین عادی

برای اعضای یک جامعه سیاسی به رسمیت شناخته و تضمین می‌کنند، مسئولیت‌پذیری اجتماعی نه تنها مکمل حقوق شهروندی است، بلکه به عنوان پیش‌شرط و زیربنای تضمین کارآمدی و پایداری این حقوق عمل می‌کند. تکمیل حقوق شهروندی از مجرای مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیامدهای تربیتی، فرهنگی و اجتماعی عمیقی را به همراه دارد که از آن جمله می‌توان به تقویت سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد و همکاری، ارتقای فرهنگ قانون‌گرایی و مدارا، کاهش آسیب‌های اجتماعی، رشد روحیه کار جمعی و تعاون، و نهایتاً حرکت به سوی توسعه پایدار انسانی اشاره کرد [27].

۳-۳. مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی است که به حضور آگاهانه شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر امور عمومی اشاره دارد. مشارکت شهروندان علاوه بر افزایش مشروعیت تصمیمات، موجب بهبود کیفیت سیاست‌گذاری و کاهش تعارضات اجتماعی می‌شود [7]. مشارکت اجتماعی فرایند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در تمامی مراحل توسعه است [28].

۳-۴. اعتماد اجتماعی

اعتماد عنصر کلیدی ساخت روابط اجتماعی است. اعتماد منبعی تسهیلگر برای همیاری و تعاون اعضای اجتماعی و شبکه اجتماعی است و باورهایی که زیربنای ارزش‌های مشترک هستند را منعکس می‌کند. هر چه میزان اعتماد اجتماعی میان افراد گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی در جامعه افزایش یابد به همان اندازه روابط اجتماعی از شدت، تنوع، ثبات و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود [29].

اعتماد به مثابه ساز و کاری برای ایجاد انسجام و وحدت در نظام‌های اجتماعی و تسهیل مشارکت اجتماعی و پرورش ارزش‌های مردم‌سالارانه عمل می‌کند و موجب تقویت، ارتقاء و اثربخشی و مشروعیت اجتماعی می‌شود و احتمال اینکه پیوندهای اجتماعی به درگیری مدنی منجر شود را بالاتر می‌برد. اعتماد اجتماعی یکی از ارکان سرمایه اجتماعی است و بیانگر میزان اعتماد افراد به یکدیگر و به نهادهای عمومی است. هرچه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد، همکاری میان شهروندان و مدیریت شهری نیز افزایش یافته و هزینه‌های نظارت و کنترل کاهش می‌یابد [7].

۴. اصول حکمرانی مطلوب شهری

مبنای اساسی برای تعیین ویژگی‌های حکمرانی خوب، شاخص‌های هشتگانه‌ای است که در برنامه توسعه سازمان ملل و بانک جهانی مطرح شده است و در ذیل به آن اشاره شده است.

۴-۱. حاکمیت قانون

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه‌ای است که غیرمغرضانه اجرا شوند. خصوصاً باید حقوق بشر و در رأس آن حقوق اقلیت‌ها حفظ گردد. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها با وجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام‌پذیر است. برقراری نظام حکمرانی خوب به چارچوب‌های قانونی عادلانه و بی‌طرف نیاز دارد. در این چارچوب باید از حقوق کلیه افراد، به ویژه محرومان محافظت شود [30].

۴-۲. مشارکت

مشارکت سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آنها یا نمایندگان منتخبشان باشد. البته باید دقت کرد که ایجاد دموکراسی بلکه مشارکت باید سازماندهی شده باشد و از طریق ابزارهای تعریف شده محقق گردد [31]. درواقع مشارکت، حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع، مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهارنظر همه افراد جامعه صورت می‌گیرد [32].

۴-۳. شفافیت

شفافیت به معنای اتخاذ تصمیمات و اجرای آنها مطابق قوانین و مقررات است. همچنین به معنای دسترسی آزاد مردم به اطلاعاتی است که می‌تواند بر زندگی آنها تاثیرگذار باشد [31]. شفافیت یعنی جریان آزاد اطلاعات و دسترسی آسان ذی‌نفعان به اطلاعات که باید به اندازه کافی و فهم‌پذیر و در دسترس باشد و از طرف دیگر، اتخاذ تصمیم‌ها و اجرای آنها، از قوانین و مقررات مشخصی پیروی کند [33].

۴-۴. مسئولیت پذیری

در حکمرانی خوب، سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذینفعان باشند و در قبال وظایف محوله مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه می‌بایست توسط سازمان و بخش مربوطه مدیریت شود و هیچ معطلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند. فرافکنی و توهم توطئه از جمله مواردی است که همواره برای فرار از مسئولیت‌پذیری به کار گرفته شده‌اند [31]. در حکمرانی خوب، نهادها و فرایندهای تصمیم‌گیری در یک چارچوب زمانی منطقی به همه ذی‌نفعان آن خدمات لازم را ارائه می‌دهند. نیل به این هدف تنها زمانی امکان‌پذیر است که نهادهای تصمیم‌گیر، درخصوص تأمین خواسته‌ها و تمایلات افراد، احساس مسئولیت داشته باشند [34].

۴-۵. اجماع سازی

در سطح جامعه، کنشگران زیادی با نقطه نظرات مختلف حضور دارند. حکمرانی خوب می‌بایست منافع متفاوت گروه‌های گوناگون را با دستیابی به یک اجماع گسترده فراهم نماید. تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع فرایندی است که در آن قدرت شخصی و کنترل اطلاعات تابع بحث باز و صادقانه پیرامون موضوعات است [31]. بسته به تنوع دیدگاه‌های موجود در هر جامعه‌ای، بازیگران گوناگونی وجود دارد؛ پس حکمرانی خوب باید منافع مختلف را، به سمت اجماعی گسترده هدایت کند که بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد [35].

۴-۶. عدالت و انصاف

رفاه و آرامش در یک جامعه زمانی بوجود می‌آید که تمام اعضای آن احساس کنند در جریان تحولات آن قرار دارند و به نوعی خود را عضو تاثیرگذار می‌پندارند. این موضوع جز با ایجاد فرصت برای اقشار آسیب‌پذیر برای بهبود وضعیت رفاه و آسایش آنها میسر نمی‌شود [31]. در حکمرانی خوب همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند. رفاه هر جامعه‌ای به تضمین این امر وابسته است که همه اعضای آن احساس کنند در آن جامعه ذی‌نفع هستند. در واقع عدالت بر فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای شهروندان جهت بهبود رفاه بدون تبعیض میان آنها تاکید دارد [36].

۴-۷. کارایی و اثربخشی

حکمرانی خوب به معنای آن است که فرایندها و نهادها در راستای نیاز جامعه عمل کنند و بهترین استفاده را از منابع بنمایند. مفهوم کارایی در زمینه حکمرانی خوب در برگیرنده استفاده صحیح از منابع طبیعی در جهت توسعه پایدار و حفاظت

از محیط‌زیست نیز هست و فقط به معنای کارآیی نیست [31]. حکمرانی خوب به این معناست که سازمان‌های تصمیم‌گیرنده، همیشه نیازهای مردم را در نظر داشته باشند و از منابع موجود به صورت کارا استفاده کنند [30].

۴-۸. پاسخ‌گویی

پاسخگویی یک نیاز کلیدی برای حکمرانی خوب به شمار می‌رود. نه تنها نهادهای دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی نیز باید به عموم مردم خاصه ذی‌نفعان خود پاسخگو باشند [31]. پاسخگویی برای حکمرانی خوب حیاتی است. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی، باید در برابر عموم مردم و همه افراد ذی‌نفع پاسخگو باشند [37].

پاسخگویی از طریق فرایندهای انتخاب صاحبان قدرت و همین‌طور از طریق رویه‌هایی تعیین می‌گردد که بدان طریق فرایند تصمیم‌سازی عمومی و نتایجی که آنها به وجود می‌آورند در راستای تعاملات عمومی و بازخورد آنها مورد حمایت قرار گیرند [36].

۵. رابطه فرهنگ شهروندی و حکمرانی شهری

ارتباط میان فرهنگ شهروندی و حکمرانی شهری، از نوعی هم‌کنشی عمیق و دیالکتیکی برخوردار است که در آن هر یک، هم به‌عنوان علت و هم به‌عنوان معلول دیگری عمل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که این دو، در یک چرخه پویا و تعاملی، نه تنها بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری و تداوم تأثیرات متقابل بعدی نیز می‌شوند. فرهنگ شهروندی از طریق افزایش مشارکت، اعتماد، قانون‌مداری و مسئولیت‌پذیری، کیفیت حکمرانی را ارتقاء می‌دهد و در مقابل، حکمرانی شفاف، پاسخگو و عادلانه نیز موجب تقویت اعتماد عمومی و نهادینه شدن فرهنگ شهروندی می‌شود، بنابراین میان این دو رابطه‌ای دوسویه برقرار است. مشارکت شهروندان و اعتماد عمومی، از مهم‌ترین عوامل موفقیت نهادهای مدیریت شهری هستند [7]. حضور مستقیم شهروندان در مدیریت منابع عمومی، موجب افزایش کارایی، کاهش تعارضات و ارتقای کیفیت سیاست‌های عمومی می‌شود. از این رو می‌توان گفت که فرهنگ شهروندی، نه تنها یک ارزش اجتماعی، بلکه یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های حکمرانی شهری مطلوب محسوب می‌شود و بدون آن، تحقق توسعه پایدار شهری با دشواری‌های جدی روبه‌رو خواهد بود [38].

مشارکت در امور اجتماعی-سیاسی نوعی پذیرش و تعهد مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه اشخاص ناگزیر از آن هستند؛ این تعهد و مسئولیت یا ممکن است در قالب فعالیتی مشخص و نامحدود صورت‌پذیرد مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، یا ساختار حقوقی، فرهنگی و اقتصادی به خود بگیرد، از این‌رو نارسایی در آن، ادامه حیات جامعه را دستخوش تغییرات می‌سازد [39]. لذا فرهنگ شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین بسترهای مشارکت فعال شهروندان در مدیریت شهری و آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی، احساس تعلق به شهر و اعتماد به نهادهای عمومی، موجب افزایش حضور شهروندان در شوراهای محلی، نشست‌های عمومی، سازمان‌های مردم‌نهاد و برنامه‌های توسعه شهری می‌شود؛ این مشارکت، کیفیت تصمیم‌گیری را افزایش داده و مشروعیت سیاست‌های مدیریت شهری را تقویت می‌کند [9].

به عبارتی مشارکت شهروندان در دولت می‌تواند به دولت کمک کنند تا ایده‌ها و راه‌حل‌های بیشتری ارائه دهند و آگاهی از حقوق و مسئولیت‌ها و ابعاد مشارکت اجتماعی توسط شهروندان، بخش مهمی در حکمرانی شهری است [40]. مشارکت مردم در حکمرانی شهری، به معنی دخالت فعال شهروندان در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌های شهری

است و مشارکت عمومی نه تنها موجب افزایش احساس مسئولیت و مالکیت در بین شهروندان می‌شود، بلکه به بهبود کیفیت تصمیمات و اجرای مؤثرتر پروژه‌ها نیز کمک می‌کند [41].

با توجه به اینکه حکومت براساس اعتماد مردم به آن شکل می‌گیرد، از این‌رو زمانی که این اعتماد تضعیف شود یا از بین برود دولت نیز در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. در فضای مبتنی بر اعتماد عمومی بین شهروندان و دولت، ابزارهایی مانند زور و اجبار برای تضمین داد و ستدها، کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد [42]. از آنجایی که فرهنگ شهروندی باعث تقویت مطالبه‌گری اجتماعی می‌شود؛ شهروندان آگاه، خواستار انتشار اطلاعات درباره بودجه، پروژه‌های عمرانی، قراردادهای عملکرد مدیران شهری هستند و این مطالبه‌گری، زمینه افزایش شفافیت و کاهش فساد اداری را فراهم می‌سازد و اعتماد عمومی را تقویت می‌کند [25].

شفافیت یکی دیگر از ارکان اصلی حکمرانی خوب شهری است که به معنای دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات و فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری است. شفافیت موجب افزایش اعتماد عمومی، کاهش فساد و ارتقاء مشارکت شهروندان در امور شهری می‌شود؛ اجرای سیاست‌های مبتنی بر شفافیت به مدیران شهری این امکان را می‌دهد تا به طور مستمر مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرند و پاسخگوی عملکرد خود باشند [43]. لذا ارتقای شفافیت، شهروندان آگاه را با مطالبه‌گری و نظارت اجتماعی، مدیران شهری را به شفافیت و پاسخگویی بیشتر وادار می‌کند و از طرفی پاسخگویی دستگاه‌ها و اعتماد عمومی به عنوان نتایج اجرای موفق حکمرانی خوب شهری، نقشی کلیدی در پایداری و موفقیت بلندمدت این الگو دارند. پاسخگویی دستگاه‌ها به شهروندان و ارتقاء سطح اعتماد عمومی، بهبود کیفیت خدمات و افزایش رضایتمندی شهروندان را به دنبال دارد و بدین ترتیب، با پایبندی به اصول حکمرانی خوب شهری، می‌توان به دستیابی به پیشرفت‌های مداوم و پایدار در شهرها امیدوار بود و شرایط زندگی بهتری را برای همه شهروندان فراهم آورد. هرچه سطح فرهنگ شهروندی بالاتر باشد، میزان مطالبه پاسخگویی نیز افزایش می‌یابد و در چنین شرایطی، مدیران شهری ناگزیر به ارائه گزارش عملکرد، توضیح درباره تصمیمات و اصلاح سیاست‌های ناکارآمد خواهند بود [44].

ساختار اجتماعی و وجه ماهیتی حکمرانی خوب، با تقویت ابعاد و عناصر سرمایه اجتماعی که براساس حاکمیت قوانین پیشرو و ارتقاءدهنده شفافیت و محیط مساعد کسب و کار استوار است و نظام اداری پویا و چابک که در این جهت سازماندهی می‌شود و همچنین بازیگران گوناگون اجتماعی که نقش خود را در چنین فضایی توسعه اقتصادی و اجتماعی همراه با بهبود محیط اقتصادی، کارآمدی دولت و برقراری کیفی سنت‌های مدنی و در مجموع افزایش کارایی نهادهای سیاسی محقق می‌شود [45]. فرهنگ شهروندی با تقویت این سرمایه، ظرفیت جامعه را برای همکاری با مدیریت شهری افزایش می‌دهد و این موضوع موجب کاهش هزینه‌های نظارت، افزایش اثربخشی سیاست‌ها و ارتقای کیفیت خدمات عمومی می‌شود. لذا در جامعه‌ای که میزان سرمایه اجتماعی بالاست، حس اعتماد عمومی و همکاری دو سویه به ویژه در امور پسندیده شکل می‌گیرد و پایبندی به قراردادهای و تمایل به حفظ وفای به عهد بالا می‌باشد؛ روحیه فرصت‌طلبی در میان اعضای جامعه اندک است و این موجب تسهیل و کارآمدی مناسبات میان اعضای آن جامعه شده و ظرفیت‌هایی برای دستیابی به هدف‌های خاص پدید می‌آورد. [46].

توسعه پایدار به معنی استفاده بهینه از منابع طبیعی و حفظ محیط‌زیست برای نسل‌های آینده است و این اصل تضمین می‌کند که توسعه شهری به صورت متوازن و همگام با حفظ منابع زیستی و اکولوژیکی انجام شود [43]. توسعه پایدار شهری زمانی تحقق می‌یابد که توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد و فرهنگ شهروندی با تشویق شهروندان به حفظ محیط‌زیست، مدیریت صحیح پسماند، صرفه‌جویی در منابع و مشارکت

در برنامه‌های شهری، نقش مهمی در تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند. همچنین رفتارهای مسئولانه شهروندان در زمینه مصرف انرژی، حفظ فضای سبز، تفکیک زباله و استفاده از حمل و نقل عمومی به تحقق توسعه پایدار کمک می‌کند [9].

برابری و عدالت یکی دیگر از اصول اساسی حکمرانی خوب شهری است که تضمین می‌کند همه شهروندان به طور مساوی از امکانات و خدمات شهری بهره‌مند شوند و تحقق برابری و عدالت مستلزم اجرای سیاست‌هایی است که به کاهش نابرابری‌ها و توانمندسازی گروه‌های محروم اجتماعی کمک می‌کند؛ این اصل، نقش مهمی در ارتقاء همبستگی اجتماعی و کاهش تنش‌های ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی دارد [47]. عدالت شهری به معنای توزیع متوازن خدمات، امکانات و فرصت‌ها در میان شهروندان است و فرهنگ شهروندی با تقویت مطالبه‌گری آگاهانه، مشارکت عمومی و نظارت اجتماعی، مدیریت شهری را به توزیع عادلانه‌تر منابع و خدمات سوق می‌دهد؛ در نتیجه، نابرابری‌ها کاهش یافته و رضایت شهروندان افزایش می‌یابد [9].

بنابراین می‌توان گفت تعامل پویای فرهنگ شهروندی و حکمرانی شهری، نه تنها هزینه‌های نظارت و اجرا را کاهش می‌دهد، بلکه کیفیت تصمیم‌گیری‌ها، کارایی سیاست‌ها و رضایت عمومی را ارتقا می‌بخشد و در نهایت، زمینه‌ساز تحقق توسعه پایدار شهری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

۶. نتیجه‌گیری

فرهنگ شهروندی و حکمرانی شهری نه دو مقوله جداگانه، بلکه دو روی یک حقیقت واحد در مدیریت شهرها هستند؛ حقیقتی که در آن نحوه زیست جمعی شهروندان و روش اداره شهر چنان درهم تنیده‌اند که تفکیک آن‌ها نه ممکن و نه مطلوب است. شهر را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک مجموعه فیزیکی از خیابان‌ها، ساختمان‌ها و تأسیسات در نظر گرفت، بلکه شهر بیش از هر چیز، یک پدیده انسانی و اجتماعی است که کیفیت آن، نه در نقشه‌های شهری، بلکه در ذهنیت، نگرش و رفتار ساکنان آن و نیز در کیفیت تعامل آنان با نهادهای مدیریتی، شکل می‌گیرد. از این منظر، فرهنگ شهروندی را می‌توان روح شهر دانست که کارایی و پویایی بدنه مدیریت شهری را تعیین می‌کند و حکمرانی شهری نیز به‌عنوان ساختار یا قالب این زیست‌بوم، می‌تواند فضایی ایجاد کند که این روح، تنفس کند و شکوفا شود یا برعکس، آن را به خاموشی و زوال بکشد.

فرهنگ شهروندی نه تنها یک مفهوم فرهنگی، بلکه سرمایه‌ای اجتماعی و نهادی است که بر کیفیت حکمرانی شهری اثر مستقیم دارد. قانون‌مداری، مشارکت اجتماعی، اعتماد عمومی و مسئولیت‌پذیری، بستر لازم برای تحقق حکمرانی مطلوب را فراهم می‌کنند و هر اندازه میزان این مؤلفه‌ها افزایش یابد، کیفیت حکمرانی شهری نیز ارتقا یافته و مدیریت شهری به سمت شفافیت، پاسخگویی و توسعه‌ی پایدار حرکت خواهد کرد. در مقابل، ضعف فرهنگ شهروندی می‌تواند به کاهش مشارکت، افزایش هزینه‌های مدیریت شهری و تضعیف کارآمدی نهادهای عمومی بینجامد. از این رو، تقویت فرهنگ شهروندی باید به‌عنوان یکی از راهبردهای اساسی مدیریت شهری و توسعه‌ی پایدار، در سیاست‌گذاری‌های ملی و محلی مورد توجه قرار گیرد.

از طرفی هرگونه تلاش برای اصلاح نظام مدیریت شهری، اگر با تقویت هم‌زمان فرهنگ شهروندی همراه نباشد، به نتیجه‌ای پایدار نخواهد رسید و هرگونه سرمایه‌گذاری برای ارتقای فرهنگ شهروندی نیز در غیاب ساختارهای شفاف، عادلانه و پاسخگو، با بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی شهروندان روبرو خواهد شد. به عبارت روشن‌تر، شهروند مسئول و آگاه، محصول نهادهای شفاف و پاسخگوست و درعین حال، وجود چنین نهادهایی، بدون حضور فعال و مطالبه‌گر همان شهروندان، ناممکن می‌نماید.

اگر حکمرانی شهری و فرهنگ شهروندی در یک جامعه تقویت شوند، شهری پدید می‌آید که در آن تصمیم‌گیری‌ها کارآمد، توزیع منابع عادلانه و محیط زیست پاس داشته می‌شود و شهروندان با حس تعلق و اعتماد، در سرنوشت جمعی خود سهیم می‌گردند. اما اگر این تعادل به هم بخورد و یکی از دو رکن تضعیف شود، شهر با هزینه‌های سنگین نظارت، فساد، نابرابری و بی‌اعتمادی مواجه خواهد شد.

آنچه در شرایط کنونی ایران بیش از هر چیز ضرورت دارد، بازشناسی این وابستگی متقابل و حرکت به سوی سیاست‌هایی است که به‌طور هماهنگ، هم ذهنیت و رفتار شهروندی را از طریق آموزش و مشارکت‌دهی ارتقا دهند و هم ساختار و فرایندهای حکمرانی را با شفاف‌سازی، پاسخ‌خواهی و عدالت‌گستری اصلاح کنند. بنابراین نیاز است به‌جای ارائه راهکارهای مقطعی و سطحی، به‌سوی یک بازاندیشی بنیادین در سیاست‌های شهری حرکت کرد؛ بازاندیشی که در آن، آموزش شهروندی از حاشیه به متن سیاست‌های توسعه منتقل شود، شوراهای محلی به قدرت واقعی تصمیم‌گیری مجهز گردند، دسترسی به اطلاعات به‌عنوان یک حق مسلم شهروندی نهادینه شود، سازوکارهای نظارت و ارزیابی عمومی تقویت گردد و مدیران شهری نه به‌عنوان کارگزاران اجرایی صرف، بلکه به‌عنوان امانتداران اعتماد عمومی، وظیفه خود را در پاسخگویی و خدمت‌رسانی عادلانه جستجو کنند. این همان گذار ارزشمندی است که می‌تواند کشور را از وضعیت کنونی به شرایط مطلوب‌تر و هم‌تراز با استانداردهای جهانی حکمرانی شهری هدایت کند و حکمرانی شهری را به‌عنوان بستر نهادی و ساختاری، به فضایی امن و انگیزه‌بخش برای نهاده شدن و تداوم فرهنگی پویا و مسئولیت‌پذیر در میان شهروندان تبدیل نماید. در پایان می‌توان گفت فرهنگ شهروندی، سرمایه اجتماعی و مشارکت مدنی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت حکمرانی شهری هستند و افزایش اعتماد عمومی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت و مشارکت اجتماعی، ضمن ارتقای کارآمدی نهادهای مدیریت شهری، زمینه‌ساز تحقق توسعه پایدار و شهری زیست‌پذیر برای همه شهروندان خواهد بود.

۷. مراجع

۱. زیاری، ک. نیک پی، و. و حسینی، ع. (۱۳۹۱)، "سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری براساس الگوی حکمرانی خوب شهری-مطالعه موردی، شهر یاسوج"، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۱)، ص ۸۶-۶۹.
2. Pierre, J. (201۱), "The politics of Urban Governance. Publisher," Red Globe Press February .
3. Börzel, T. and Pamuk, Y. and Stahn, A. (2008), "The European Union and the Promotion of Good Governance in its Neighbourhood," One Size Fits All?, SFB-Governance Working Paper Series, No. 18, Research Center (SFB) 700, Berlin, December, 1-37.
۴. نونزاد، ن. و دادخواه، ن. (۱۴۰۴)، "بازاندیشی در حکمرانی شهری در ایران: چارچوبی در راستای ارتقاء مشارکت شهروندی و کارآمدی مدیریتی در کلان شهرها"، دومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت‌های شهری، هامبورگ-آلمان، ۳۰ بهمن.
5. Almond, G.A. and Verba, S. (2015), "The civic Culture : Political Attitudes and Democracy in Five Nations," Publisher Princeton University Press.
۶. عربلو، ا. (۱۴۰۰)، "نقش آموزش‌های شهروندی در مدیریت شهری و تاثیر بر کیفیت زندگی و توسعه شهر"، هشتمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران، ۲۸ بهمن.
7. Putnam, R.D. (1993), "Making Democracy Italy," Princeton University Press.

۸. فرجی، س. ج. (1401)، "نقش مدیریت کوانتومی در حرکت به سمت حکمرانی هوشمند فرهنگ شهری در دولت‌های محلی"، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸ (۳۲)، ص ۶۳-۹۶.

9. UN-HABITAT (20۲۰), "The Value of Sustainable Urbanization," Available in www.unhabitat.org.

۱۰. فرامرزی، آ. سلاجقه، س. و صیادی، س. (۱۳۹۷)، "تحلیل نقش فرهنگ سازمانی، فرهنگ ملی و فرهنگ شهروندی در خط مشی گذاری فرهنگی شهرداری های کلان شهرهای جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مدیریت شهری، ۵۲، ص ۲۰-۵۰.

۱۱. نیازی، م. جعفرپور، ا. (۱۳۹۴)، "تبیین رابطه بین هویت های سه گانه فردی، اجتماعی و ملی با میزان پایبندی شهروندان به فرهنگ شهروندی (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران در سال ۱۳۹۳)"، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴)، ص ۷۱ تا ۸۶.

۱۲. ایشانی، ط. و باباعلی، م. (۱۳۹۷)، "بررسی و نقد مولفه های فرهنگ شهروندی در داستان ها و حکایت های کتاب فارسی بخوانیم دوره ابتدایی (با تاکید بر آموزش قانون مداری)"، مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، ۹ (۱)، ص ۲۰-۱.

۱۳. کوشام، م. (۱۳۸۷)، "دانستنی های سیاست شهروندی"، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم.

۱۴. منصوری، ک. (۱۳۹۲)، "آموزش شهروندی"، نشر کوشش، تهران.

۱۵. بنی اسدی، ع. ا. (۱۳۹۵)، "بررسی اثرات اجرای آموزش مهارت‌های شهروندی بر ارتقای معلومات حقوق شهروندی و رفتار زندگی جمعی کودکان و نوجوانان"، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول-ترکیه، ۲۴ اسفند.

۱۶. [۳۲] رحمانیان، م. (۱۳۹۸)، "مبانی کارآفرینی در مدیریت شهری"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.

۱۷. [۳۳] مجیدی، ن.، شانوندی، م. و شمس، م. (۱۳۹۲)، "تحلیلی بر عملکرد مدیریت شهری شهر مهاباد از منظر مشارکت و رضایتمندی شهروندی"، دوفصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری (جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای سابق)، ۴ (۲)، ص ۴۴-۲۷.

۱۸. [۳۴] والی زاده، م. شیروانی، ع. ر. و ولیخانی، م. (۱۴۰۱)، "طراحی مدل مدیریت شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی در شهرداریهای استان اصفهان"، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۱۴ (۵۲)، ص ۱۷-۱.

19. Kazemian, G. R. (2013), "Urban management," Basics and Areas of Tehran Tisa Publishing, [In Persian].

20. Bevir, M. (2012), "Governance: A Very Short Introduction," Oxford, UK: Oxford University Press.

۲۱. دباج، س. و نفری، ن. (۱۳۸۸)، "تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب"، نشریه مدیریت دولتی، ۱ (۳)، ص ۱۸-۳.

۲۲. محمودی، م. (۱۴۰۳)، "حکمرانی خوب و منتقدان آن: جستاری معرفت شناختی پیرامون سترونی گفتمان مخالفان حکمرانی"، فصلنامه تحلیل ها و اندیشه های اقتصادی، ۱ (۲)، ص ۸۹-۱۱۷.

۲۳. برک پور، ن. و اسدی، ا. (۱۳۹۰)، "مدیریت و حکمروایی شهری"، انتشارات دانشگاه هنر.

۲۴. فتحي و اجارگاه، ک. و واحد چوکده، س. (۱۳۸۸)، "آموزش شهروندی در مدارس"، تهران: آبیژ.

25. World Bank. (2000), "Cities in transition: A strategic view of urban and local government issues," Washington, D.C.: The World Bank.

۲۶. بهادر، ع.ر. زرین جوی الوار، س. و آندرواژ، لی. (۱۴۰۲)، "عوامل موثر بر ارتقاء مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان رویکردی اخلاقی"، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری ۱۸(۶)، ص ۱۷۰-۱۶۴.
۲۷. سهراب پور شفتی، ح. (۱۴۰۴)، "تحلیل نقش مسئولیت پذیری اجتماعی در تکمیل حقوق شهروندی"، اولین همایش بین‌المللی افق‌های تازه در روانشناسی یادگیری و آموزش و پرورش از دید معلم، آذربایجان غربی-ارومیه، ۵ شهریور.
28. Gaoteri, H. (1986), "Popular Participation in Development," in Participation in Development, Paris, UNESCO.
29. Sztompka, P. (1999), "Trust a sociological theory," Cambridge university press.
۳۰. صالحی، م. سالارزهی، ح. ا. و ایمانی، ع. م. (۱۴۰۱)، "بررسی اصول و دیدگاه‌های حکمرانی خوب در راستای تحقق توسعه پایدار شهری"، جغرافیا و روابط انسانی، ۵(۱)، ص ۲۵۴-۲۳۷.
۳۱. اعظمی، ه. حسینی، س.ج. و علمدار، ا. (۱۳۹۲)، "تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در حکمرانی مطلوب شهری"، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، ۴ اردیبهشت.
۳۲. رحمانی، ح. (۱۳۹۶)، "حکمرانی شهری، شناسایی شاخص‌هایی برای توسعه مدیریت شهری شهرداری تهران"، مطالعات مدیریت شهری، ۱۰(۳۶)، ص ۱۵-۱.
۳۳. صفایی پور، م. امان پور، س. و نادری چگنی، ز. (۱۳۹۲)، "ارزیابی و تحلیلی میزان تحقق پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر خرم‌آباد"، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، ۵(۱۷)، ص ۱۳۰-۱۱۵.
۳۴. آثارتمر، م. و مقتدرمنصوری، ا. (۱۳۹۸)، "بررسی مولفه‌های مسئولیت اجتماعی بر سلامت سازمانی (مطالعه موردی کارکنان شبکه بهداشت و درمان ارومیه)"، فصلنامه مدیریت بهداشت و درمان، ۱۰(۳)، ص ۲۰-۷.
35. Brand, H. (2007), "Good governance for the public's health," European Journal of Public Health, 17(6), pp541-541.
۳۶. موسوی، س.ج. تاتی، ف. و شریفی آرادانی، ف. (۱۳۹۴)، "مشارکت شهروندان و نقش آن در حکمروایی خوب شهری (مطالعه مورد کلانشهر کرج)"، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، کوالالامپور-مالزی، ۲۳ آذر.
37. Hendriks, F. (2013), "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values," Urban Affairs Review, 50(4), pp 553- 576.
38. Ostrom, E. (1990), "Governing the Commons," Cambridge University Press.
۳۹. شریف زاده، ف. و قلی پور، ر. ا. (۱۳۹۱)، "حکمرانی خوب و نقش دولت"، فرهنگ مدیریت، ۱(۴)، ص ۱۰۹-۹۳.
40. Hyder, M. Zaheer Zaidi, Sh. and Mustafa, S. (2019), "Citizens Participation In Good Governance Of Pakistan," International Journal of Advanced Research, 7(4), pp 1442-1448.
۴۱. بوجانی، م.ج. صرافی، م. توکلی‌نیا، ج. و دشتی، ع. (۱۳۹۶)، "تحلیل ساختاری حاکمیت ملی و مدیریت محلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در پرتو رویکرد حکمروایی شایسته شهری"، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۹(۲)، ص ۲۳۶-۲۱۱.
42. Hanitzsch, T. and Berganza, R. (2014), "Explaining Journalists' trust in public institutions across 20 Countries: Media freedom, corruption, and ownership matter most," Journal of Communication, 62(5), pp794-814.
43. Iftimoaei, C. (2015), "Good Governance: Normative Vs. Descriptive Dimension," SEA-Practical Application of Science, NO 7, pp309-316.
۴۴. شجاعیان، م. و بایقره، ا. (۱۴۰۴)، "چالش‌های حقوقی اجرای استانداردهای شفافیت و حکمرانی خوب در نظام اداری ایران"، فصلنامه حقوق اداری، ۱۲(۴۲)، ص ۸۲-۵۶.

45. Swain, N. (2012), "Social Capital and its Uses," *European Journal of Sociology*, VOL.44, NO.2.

۴۶. پیران، پ. و موسوی، م.ط. (۱۳۸۵)، "کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی"، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۶(۲۳)، ص ۴۴-۹.

۴۷. دبیرزاده، ش. شفیعی، م. و میرموسوی، س.ع. (۱۴۰۴)، "تحلیل مضامین تحقق الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهرداری تهران)"، فصلنامه علمی مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۵۷ (۱۵)، ص ۸۹ - ۶۹.